

به نام خدا

# ضرب المثل های ایرانی، حکمت اعصار

مولفان :

یاسر عظیمی مقدم

احمد شه شناسان

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

سرشناسه : عظیمی مقدم، یاسر، ۱۳۶۳-  
عنوان و نام پدیدآور : ضرب المثل های ایرانی، حکمت اعصار / مولفان یاسر عظیمی مقدم، احمد  
شه شناسان.

مشخصات نشر : ارسطو ( سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران )، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری : ۱۱۱ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۹۱-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : ضرب المثل های فارسی -- تاریخ و نقد

Proverbs, Persian -- History and criticism

ضرب المثل های ایرانی -- تاریخ و نقد

Proverbs, Iranian-- History and criticism

شناسه افزوده : شه شناسان، احمد، ۱۳۶۳-

رده بندی کنگره : PIR۳۹۹۵

رده بندی دیویی : ۳۹۸/۹۶

شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۵۹۹۸۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : ضرب المثل های ایرانی، حکمت اعصار

مولفان : یاسر عظیمی مقدم - احمد شه شناسان

ناشر : ارسطو ( سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران )

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲

چاپ : زیر جلد

قیمت : ۹۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۹۱-۱

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

بخش اول.....	۷
مقدمه ای بر حکمت ایرانی.....	۷
زبان فارسی: گنجینه خرد.....	۸
خاستگاه های تاریخی ضرب المثل های ایرانی.....	۱۰
نقش ضرب المثل در فرهنگ فارسی.....	۱۲
شاعران نامدار فارسی زبان و سهم آنها.....	۱۴
هنر قصه گوئی در سنت ایرانی.....	۱۶
حفظ حکمت: سنت شفاهی.....	۱۸
چگونه ضرب المثل ها ارزش ها و باورهای ایرانی را منعکس می کنند.....	۲۰
ارتباط حکمت باستان در دوران معاصر.....	۲۲
بخش دوم.....	۲۵
ضرب المثل های عاشقانه.....	۲۵
ابراز محبت در فرهنگ فارسی.....	۲۶
حکمت رمانتیک از ایران باستان.....	۲۷
نقش عشق در شعر فارسی.....	۲۹
عشق و از دست دادن: درس هایی از ضرب المثل های ایرانی.....	۳۱
ضرب المثل های ازدواج و معاشرت.....	۳۳
حکمت متعادل کردن قلب و ذهن.....	۳۵
توصیه های عاشقانه در طول اعصار.....	۳۶
درک روابط از طریق ضرب المثل ها.....	۳۸
بخش سوم.....	۴۱
ضرب المثل هایی در مورد دوستی و روابط اجتماعی.....	۴۱
ارزش گذاری دوستی ها در فرهنگ ایرانی.....	۴۲

- اعتماد، وفاداری و خیانت: درس های آموخته شده ..... ۴۴
- هنر خرد اجتماعی در ایران ..... ۴۶
- ضرب المثل هایی در مورد دوست یابی و دوست داشتن ..... ۴۷
- پیمایش پویایی اجتماعی ..... ۴۹
- سخنان حکیمانه در مورد تعارض و آشتی ..... ۵۱
- نقش سخاوت و مهربانی ..... ۵۳
- ضرب المثل های دوستی در ادبیات ایران ..... ۵۵

### بخش چهارم ..... ۵۷

#### حکمت در مورد چالش ها و سختی های زندگی ..... ۵۷

- مقابله با مشکلات: دیدگاه فارسی ..... ۵۸
- درس های تاب آوری و استقامت ..... ۶۰
- ضرب المثل هایی در مورد غلبه بر موانع ..... ۶۲
- یافتن قدرت در سختی ها ..... ۶۴
- حکمت صبر و استقامت ..... ۶۶
- پذیرش عدم قطعیت های زندگی ..... ۶۸
- درس گرفتن از شکست ..... ۷۱
- یافتن امید در زمان تاریک ..... ۷۳

### بخش پنجم ..... ۷۵

#### ضرب المثل هایی در مورد ثروت، فقر و موفقیت ..... ۷۵

- دیدگاه فارسی در مورد ثروت و رفاه ..... ۷۶
- درس هایی در مورد سخت کوشی و جاه طلبی ..... ۷۸
- ضرب المثل هایی درباره سخاوت و نیکوکاری ..... ۸۰
- پیمایش در پستی و بلندی های زندگی ..... ۸۲
- معنای واقعی موفقیت ..... ۸۳

### بخش ششم ..... ۸۷

#### حکمت در دانش و یادگیری ..... ۸۷

۸۸.....	احترام فارسی به آموزش و پرورش .....
۸۹.....	ضرب المثل هایی در جستجوی دانش .....
۹۱.....	دانش و حکمت در تاریخ ایران .....
۹۳.....	نقش معلمان و مربیان .....
۹۵.....	درس های کنجکاوی و تحقیق .....
۹۶.....	سفر مادام العمر یادگیری .....
۹۸.....	ایجاد تعادل بین دانش سنتی و مدرن .....
۱۰۰.....	تشویق تفکر انتقادی و تأمل .....
۱۰۲.....	نقش محوری خانواده در فرهنگ ایرانی .....
۱۰۵.....	<b>منابع و مأخذ.....</b>
۱۰۶.....	منابع فارسی .....
۱۱۱.....	منابع لاتین .....



بخش اول

مقدمه ای بر حکمت ایرانی

## زبان فارسی: گنجینه خرد

فرهنگ ایرانی دارای ملیله ای غنی از خرد و دانش است که در طول هزاران سال پرورش یافته است. این حکمت عمیقاً با زبان فارسی در هم آمیخته است که گنجینه ای از بینش ها و آموزه های عمیق است. در این بخش به بررسی جنبه های زبانی و فرهنگی زبان فارسی، پیوند آن با حکمت ایرانی و اینکه چگونه ظرفی برای حفظ و انتقال این حکمت در نسل ها بوده است، خواهیم پرداخت.

برای درک اهمیت زبان فارسی به عنوان مخزن حکمت ایرانی، لازم است ریشه های تاریخی و زبانی آن را بررسی کنیم. فارسی که با نام فارسی نیز شناخته می شود، یک زبان هندواروپایی با پیشینه ای غنی از هزاران سال پیش است. این زبان رسمی ایران است و نفوذ آن به چندین کشور همسایه از جمله افغانستان و تاجیکستان گسترش یافته است (لوئیس، ۲۰۲۰، ص ۲۳). سیر تحول زبان فارسی گواهی بر ماندگاری فرهنگ ایرانی و خرد آن است.

ایران کشوری از نظر زبانی متنوع است که اقوام و زبان های زیادی را در خود جای داده است. در حالی که فارسی زبان غالب است و به عنوان یک نیروی متحد عمل می کند، زبان های مختلف دیگری در سراسر کشور صحبت می شود. از جمله گویش های کردی، آذری، عربی و گویش های متعدد (منصوری، ۱۳۹۷، ص ۵۶). همزیستی این زبان ها در مرزهای ایران نشان دهنده موزاییک غنی فرهنگی کشور است و ملیله زبانی به عمق و تنوع حکمت ایرانی کمک می کند.

شعر فارسی به دلیل زیبایی و عمقش در جهان شهرت دارد. شاعرانی چون مولانا، حافظ و سعدی سهم بسزایی در حفظ و انتقال حکمت ایرانی داشته اند. ابیات آنها صرفاً آثار زبانی نیست، بلکه رساله های فلسفی و معنوی در قالب شعر است. برای مثال شعر مولانا در عرصه های عشق، معنویت و احوال انسان می کاود (شمس، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). این شاعران با بیان غنایی خود، حکمت ایران را در دسترس مخاطبان جهانی قرار داده اند.

یکی از جذاب ترین جنبه های حکمت ایرانی، گنجاندن آن در ضرب المثل هاست. ضرب المثل ها بیان مختصری از خرد فرهنگی هستند که اغلب از طریق نسل ها منتقل می شوند. ضرب المثل های ایرانی بازتاب دانش، ارزش ها و تجربیات جمعی مردم ایران است. مثلاً ضرب المثل «سکوت نشانه تأیید است» بر اهمیت ارتباط غیرکلامی در فرهنگ ایرانی تأکید دارد



(خطیب، ۱۳۹۰، ص ۴۵). این ضرب المثل ها فقط کنجکاوای های زبانی نیستند. درپچه هایی به قلب فرهنگ ایرانی و حکمت ماندگار آن هستند.

دین نقش محوری در شکل گیری خرد ایرانی داشته است. ایران عمدتاً یک کشور اسلامی است و آموزه های اسلام عمیقاً بر فرهنگ و جهان بینی آن تأثیر گذاشته است. ادغام باورهای ایرانی پیش از اسلام و اصول اسلامی، آمیختگی بی نظیری از خرد را به وجود آورده است. آثار دانشمندان اسلامی مانند ابن سینا با کاوش در اندیشه های فلسفی و علمی این آمیختگی را بیشتر غنا بخشیده است (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۷۸). تأثیر متقابل دین و خرد موضوعی محوری در روایت فرهنگی ایرانیان است.

آداب و سنن فرهنگی در ایران آداب و رسوم صرف نیست، بلکه مخزن حکمت عمیقی است. به عنوان مثال، نوروز، سال نو ایرانی، جشنی است که مفاهیم تجدید، تولد دوباره و گذر زمان را در بر می گیرد (سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۳۳). ایرانیان از طریق این آیین ها، حکمت کهن را منتقل می کنند و میراث فرهنگی و ارزش های نسل جوان را یادآوری می کنند. این آیین ها تجلی های زنده حکمت هستند که گذشته را با حال پیوند می دهند.

فلسفه ایرانی با ریشه های عمیق تاریخی خود، جست و جوی بی وقفه حکمت بوده است. متفکرانی مانند خیام و فارابی به بررسی مسائل هستی، معرفت و اخلاق پرداخته اند و میراثی از گفتمان فلسفی را از خود به جای گذاشته اند که همچنان مورد بررسی و تحسین قرار می گیرد (جوادی، ۱۳۹۷، ص ۶۷). فلسفه ایرانی منعکس کننده کنجکاوای فکری و عطش خرد است که از شاخصه های فرهنگ ایرانی بوده است.

حکمت ایران به تاریخ محدود نمی شود. همچنان در جامعه معاصر مرتبط است. در عصر جهانی شدن و تغییرات سریع، ارزش ها و بینش های ماندگار فرهنگ ایرانی راهنما و ثبات است. به عنوان مثال، مفهوم «تعروف»، یک نظام پیچیده ادب و آداب، همچنان تعاملات اجتماعی ایرانیان را شکل می دهد (رحیمی، ۱۳۹۸، ص ۸۹). گواهی زنده بر تداوم حکمت ایرانی در دوران معاصر است.

زبان فارسی به عنوان دروازه ای به سوی دنیای غنی و چندوجهی خرد ایرانی است. ابعاد تاریخی، زبانی و فرهنگی آن بینش های ارزشمندی را در مورد میراث ماندگار این فرهنگ کهن

ارائه می دهد. حکمت ایرانی از شعر گرفته تا ضرب المثل، از تأثیر دینی تا تحقیق فلسفی، برای نسل ها منبع هدایت و الهام بوده است. سنت ها و آیین های فرهنگی و نیز تناسب معاصر حکمت ایرانی، سازگاری و بی زمانی آن را نشان می دهد. همانطور که در صفحات «ضرب المثل های ایرانی، حکمت اعصار» سفر می کنیم، این گنجینه خرد را کشف خواهیم کرد و قدردانی عمیق تری از میراث فرهنگی و زبانی که بینش های عمیق ایران را شکل داده است، به دست خواهیم آورد.

### خاستگاه های تاریخی ضرب المثل های ایرانی

ضرب المثل ها حکمت مقطر یک فرهنگ هستند که ارزش ها، باورها و تجربیات یک قوم را در بر می گیرند. ضرب المثل های ایرانی، مانند ضرب المثل های بسیاری از فرهنگ ها، ریشه های تاریخی عمیقی دارند که بینش هایی را در مورد سیر تحول جامعه ایرانی و حکمت ماندگار آن ارائه می دهد. در این بخش، به بررسی ریشه های تاریخی ضرب المثل های ایرانی، ردیابی پیشرفت آن ها در طول قرن ها و ارتباط آن ها در فرهنگ معاصر ایران می پردازیم.

ریشه ضرب المثل های ایرانی را می توان در ایران باستان جستجو کرد، جایی که آنها بخشی جدایی ناپذیر از سنت شفاهی بودند. اوستا، متون مقدس دین زرتشتی، حاوی نمونه های اولیه ضرب المثل هایی است که بر ارزش های اخلاقی و اصول اخلاقی تأکید دارند (پارشاطر، ۱۳۹۴، ص ۳۲). این ضرب المثل ها که اغلب به خود زرتشت پیامبر نسبت داده می شود، زیربنای ابعاد اخلاقی و فلسفی حکمت ایرانی را بنا نهاد.

ادبیات فارسی، به ویژه آثار شاعران صاحب نامی چون فردوسی، مولانا و سعدی، نقشی اساسی در شکل گیری ضرب المثل های ایرانی داشت. عبارات شاعرانه و درس های اخلاقی موجود در این متون کلاسیک منبع الهام نسل های ایرانی بوده است. به عنوان مثال، شعر مولانا اغلب حاوی ضرب المثل های پنهانی است که حقایق عمیق معنوی و فلسفی را می رساند (شهبازی، ۱۳۹۶، ص ۸۸). این غول های ادبی نه تنها زبان فارسی را غنی کردند، بلکه به مخزن ضرب المثل های ایرانی کمک کردند.

سیر تحول تاریخی ضرب المثل های ایرانی نشان دهنده تحولات فرهنگی و تاریخی است که ایران در طول قرن ها تجربه کرده است. مثلاً ضرب المثل های دوران صفوی، مانند «شیر گاو»

نیست»، اهمیت رهبری خیرخواهانه و رفاه مردم را نشان می‌دهد (دباشی، ۱۳۹۵، ص ۵۴). همانطور که ایران دوره های تغییر سلسله و آشفتگی سیاسی را پشت سر می‌گذاشت، ضرب المثل ها همچنان به عنوان ابزاری برای بیان ارزش ها و انتظارات اجتماعی عمل می‌کردند.

با ظهور اسلام در ایران، ضرب المثل ها شروع به گنجاندن آموزه ها و اصول اسلامی کردند. ضرب المثل هایی مانند «آسیاب خدا آهسته می‌خرد، اما مطمئن» از مفاهیم اسلامی عدل و صبر الهی استناد می‌کند (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۷۲). آمیختگی اندیشه اسلامی با عناصر فرهنگی ایرانی در تکامل ضرب المثل ها مشهود است و ماهیت پویایی خرد ایرانی را به تصویر می‌کشد. در جامعه سنتی ایران ضرب المثل ها به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. آنها بخش مهمی از گفتگوهای روزمره بودند و به عنوان مخزن خرد جمعی عمل می‌کردند. ضرب المثل ها اغلب برای رساندن نصیحت، حل تعارضات و انتقال هنجارهای فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به عنوان مثال ضرب المثل «همدم ناشنوا احمق است» حامل این پیام است که همراهی خردمندانه برای رشد فردی ضروری است (نصرالله زاده، ۱۳۹۷، ص ۴۱). این سنت شفاهی اجازه می‌داد ضرب المثل ها مرتبط و سازگار با زمان در حال تغییر باقی بمانند.

در حالی که جامعه ایران در دهه های اخیر دستخوش دگرگونی های مهمی شده است، ضرب المثل ها همچنان اهمیت دارند. آنها پیوندی با میراث فرهنگی ایران ارائه می‌دهند و در مواجهه با چالش های مدرن راهنمایی می‌کنند. ضرب المثل هایی مانند «صبر درختی است که ریشه اش تلخ است، اما میوه اش بسیار شیرین» ارزش ماندگار استقامت را به ایرانیان یادآوری می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۹، ص ۶۵). در حالی که ایران در پیچیدگی های قرن بیست و یکم پیمایش می‌کند، این ضرب المثل های قدیمی به عنوان سنگ محک خرد و هویت فرهنگی عمل می‌کنند.

خاستگاه تاریخی ضرب المثل های ایرانی عمیقاً با تحولات فرهنگی، مذهبی و ادبی ایران در هم آمیخته است. این عبارات مختصر از حکمت در طول نسل ها منتقل شده‌اند، و در عین حال که جوهره اخلاقی و فلسفی خود را حفظ کرده‌اند، با شرایط متغیر سازگار شده‌اند. ضرب المثل های ایرانی از آموزه های زرتشتی تا نفوذ اسلامی، از اشعار مشاهیر فارسی تا سنت های شفاهی زندگی روزمره، نگاهی جذاب به ملایه های تاریخی و فرهنگی ایران ارائه می‌دهند. همانطور که در "ضرب المثل های ایرانی، حکمت اعصار" جهان ضرب المثل های ایرانی را بررسی می‌کنیم،

به درک عمیق تری از ارتباط پایدار آنها و نقش آنها در حفظ خرد این فرهنگ کهن دست می یابیم.

### نقش ضرب المثل در فرهنگ فارسی

ضرب المثل ها فقط عبارات زبانی نیستند. آنها مصنوعات فرهنگی هستند که بینش عمیقی در مورد ارزش ها، باورها و خرد جمعی یک جامعه ارائه می دهند. در فرهنگ ایرانی ضرب المثل ها جایگاه ویژه ای دارند و به عنوان خلاصه ای از قرن ها سنت و دانش عمل می کنند. این بخش به بررسی نقش محوری ضرب المثل ها در فرهنگ فارسی می پردازد و به چگونگی عملکرد آنها به عنوان مخزن خرد، هدایت و شکل دادن به زندگی مردم ایران می پردازد.

ضرب المثل فارسی یا «آغاز» یکی از ویژگی های زبانی و فرهنگی بارز ایران است. مختصات و عمق آن مشخص می شود و اغلب توصیه های عملی، درس های اخلاقی یا تأملات فلسفی ارائه می دهد. این ضرب المثل ها در طول نسل ها منتقل می شوند و جزء لاینفک گفتار روزمره در ایران هستند (مودب، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). ماهیت مختصر ضرب المثل ها آنها را برای مخاطبان گسترده ای در دسترس قرار می دهد و امکان حفظ و انتقال آسان آنها را فراهم می کند.

زمینه تاریخی که ضرب المثل ها در آن شکل گرفته اند برای درک اهمیت آنها در فرهنگ ایرانی بسیار مهم است. ضرب المثل ها اغلب منعکس کننده چالش ها، پیروزی ها و تجربیات یک جامعه هستند. به عنوان مثال ضرب المثل «گره در مواقع بحران، بیر می شود» نشان دهنده مقاومت و سازگاری مردم ایران در برابر ناملازمات است (مظاهری، ۱۳۹۷، ص ۴۵). با بررسی این ضرب المثل ها به بینش هایی در زمینه های تاریخی و فرهنگی که حکمت ایرانی را شکل داده اند، می رسیم.

بسیاری از ضرب المثل های فارسی درس های اخلاقی و اخلاقی را بیان می کنند. آنها به مسائلی مانند صداقت، درستکاری، مهربانی و عواقب اعمال فرد می پردازند. ضرب المثل «عمل نیک بذری است که سعادت می دهد» بر اهمیت اعمال خیرخواهانه تأکید می کند (شیرازی، ۱۳۹۹، ص ۶۷). ضرب المثل ها به عنوان راهنمای رفتار شخصی عمل می کنند و ارزش هایی را که قرن ها در فرهنگ ایرانی گرامی داشته اند، تقویت می کنند.

در فرهنگ فارسی ضرب المثل ها به زمینه های رسمی یا تعلیمی محدود نمی شوند. آنها در مکالمات روزمره نفوذ می کنند. ایرانی ها از ضرب المثل ها برای انتقال ایده ها یا احساسات پیچیده به طور مختصر و مؤثر استفاده می کنند. آنها نوعی ارتباط غیرمستقیم هستند که به افراد اجازه می دهند افکار و احساسات خود را با حفظ احساس ادب بیان کنند (فرهادی، ۱۳۹۶، ص ۳۳). درک ضرب المثل های به کار رفته در گفتگو، کلید درک نکات ظریف ارتباط در جامعه ایرانی است.

ضرب المثل ها به ادبیات و شعر فارسی نیز راه یافته اند و اهمیت فرهنگی آنها را بیش از پیش برجسته کرده اند. شاعرانی مانند سعدی و مولانا غالباً ضرب المثل هایی را در ابیات خود وارد می کردند و لایه هایی از معنا و طنین را به آثار خود اضافه می کردند (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۸۹). با انجام این کار، آنها نه تنها حکمت موجود در این ضرب المثل ها را جشن گرفتند، بلکه دامنه خود را به مخاطبان گسترده تری نیز گسترش دادند.

ضرب المثل ها جزء لاینفک هویت فرهنگی هر جامعه ای هستند و این در مورد مردم ایران صدق می کند. استفاده از ضرب المثل ها در جنبه های مختلف زندگی، از تعاملات خانوادگی گرفته تا مذاکرات تجاری، حس هویت و تعلق مشترک را تقویت می کند. ضرب المثل «میهمان سه روزه مثل سال نو» دلالت بر اهمیت میهمان نوازی در فرهنگ ایرانی دارد (نوری، ۱۳۹۷، ص ۷۶). این هویت فرهنگی مشترک، همانطور که از طریق ضرب المثل ها بیان می شود، حس وحدت و تداوم را تقویت می کند.

در حالی که بسیاری از ضرب المثل های فارسی در طول نسل ها ثابت مانده اند، برخی برای انطباق با پویایی های در حال تغییر دنیای مدرن تکامل یافته اند. ضرب المثل هایی که زمانی بر زندگی کشاورزی و سنت های روستایی تمرکز داشتند، در محیط های شهری تعابیر جدیدی یافته اند (محمودی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱). این انطباق نشان دهنده انعطاف پذیری و مرتبط بودن ضرب المثل ها است که همچنان به ارائه راهنمایی در جامعه معاصر ایران ادامه می دهند.

تلاش هایی برای حفظ و مستندسازی ضرب المثل های فارسی به منظور اطمینان از دسترسی مداوم آنها به نسل های آینده انجام شده است. پروژه هایی با هدف جمع آوری و دسته بندی ضرب المثل ها پدید آمده اند که به حفظ این جنبه ضروری فرهنگ ایرانی کمک می کنند (برومند،

۱۳۹۸، ص ۵۶). اهمیت این ابتکارات را نمی توان نادیده گرفت، زیرا آنها به حفظ خرد و میراث ایرانی کمک می کنند.

ضرب المثل ها نقشی محوری در فرهنگ ایرانی دارند و به عنوان ظرف های حکمت، حامل تاریخ و راهنمای زندگی اخلاقی هستند. آنها فقط عبارات زبانی نیستند، بلکه جزء لاینفک بافت جامعه ایران هستند. از طریق مطالعه ضرب المثل های فارسی، ما به بینش های ارزشمندی در مورد ارزش ها، باورها و تجربیاتی دست می یابیم که قرن ها فرهنگ ایرانی را شکل داده است. همانطور که فرهنگ فارسی به تکامل خود ادامه می دهد، این ضرب المثل ها ثابت می مانند و راهنما و پیوندی به مليله غنی حکمت ایرانی ارائه می دهند.

### شاعران نامدار فارسی زبان و سهم آنها

میراث ادبی ایران مزین به آثار شاعران نامدار فارسی زبان است که سهم آنها بسیار فراتر از قلمرو ادبیات است. ابیات آنها گواهی بر ژرفای خرد ایرانی است که به مضامین عشق، معنویت، فطرت انسان و احوال انسان می پردازد. در این بخش، زندگی و مشارکت برخی از این شاعران برجسته را بررسی خواهیم کرد و بررسی خواهیم کرد که چگونه آثار آنها به مخزن حکمت ایرانی تبدیل شده است.

جلال الدین رومی که اغلب به سادگی از آن به عنوان مولانا یاد می شود، مسلماً یکی از مشهورترین شاعران فارسی در تاریخ است. آثار مولانا در سال ۱۲۰۷ در بلخ، شهری که اکنون بخشی از افغانستان است، به دنیا آمد و از زمان و مکان فراتر رفته است. شعر او به دلیل ژرفای عرفانی و معنوی اش با مشهورترین اثرش، «مثنوی» که در مفاهیم عمیق عشق، وحدت و جست و جوی الهی است، تجلیل می شود (چیتیک، ۲۰۱۹، ص ۷۲). شعر مولانا فقط یک شاهکار ادبی نیست، بلکه منبعی برای هدایت معنوی است که همچنان در میان مردم سراسر جهان طنین انداز می شود و بر جهانی بودن حکمت ایرانی تأکید می کند.

حافظ با نام کامل خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی یکی دیگر از مفاخر جهان شعر فارسی است. غزلیات حافظ که در قرن چهاردهم در شیراز متولد شد، جشن عشق، زیبایی و شادی های زندگی است. دیوان او که مجموعه ای از غزلیات (اشعار عاشقانه) است از شاهکارهای

ادبیات فارسی به شمار می رود. شعر حافظ همچنین به دلیل لحن صوفیانه اش مورد توجه قرار گرفته است، که منعکس کننده بعد معنوی است که بر ماهیت گذرا زندگی و جستجوی امر الهی تأکید می کند (لوئیس،<sup>۲</sup> ۲۰۲۱، ص ۱۲۳). آیات او همچنان در مجالس تلاوت می شود و آرامگاهش در شیراز زیارتگاهی است که گواه جذابیت ماندگار حکمت اوست.

سعدی که نام کامل او ابومحمد مصلح الدین بن عبدالله شیرازی است، یکی دیگر از شاعران برجسته فارسی زبان شیرازی است. «گلستان» یا «باغ گل رز» که در قرن دوازدهم متولد شد، مجموعه‌ای از داستان‌های اخلاقی و اصولی است که حکمت بی‌زمانی را به ما می‌دهد (دارو، ۲۰۲۰، ص ۹۸). نوشته‌های سعدی با تأکید بر اهمیت همدلی، شفقت و تلاش برای نیکی، راهنمایی‌هایی درباره اخلاق، رفتار انسانی و عدالت اجتماعی ارائه می‌کند. آثار او نه تنها به خاطر ارزش ادبی‌شان، بلکه به خاطر درس‌های اخلاقی که ارائه می‌دهند همچنان مورد احترام قرار می‌گیرند.

فرید الدین عطار معروف به عطار شاعر ایرانی و عارف صوفی اهل نیشابور ایران در قرن دوازدهم میلادی بود. مشهورترین اثر او، «کنفرانس پرندگان» (منطق الطیر)، تمثیلی صوفیانه است که سیر روح را در جستجوی تحقق معنوی و اتحاد با الوهیت بررسی می‌کند (آربری،<sup>۳</sup> ۱۳۹۶، ص ۵۵). شعر عطار غرق در فلسفه صوفیانه است و بازتابی از جستجوی خودیابی و روشننگری است. داستان های تمثیلی او راهنمای عمیقی برای خرد درونی و دگرگونی معنوی است.

عمر خیام، مردی که در قرن یازدهم می زیسته است، نه تنها به خاطر سهمش در شعر فارسی، بلکه به خاطر تأثیر چشمگیرش در ریاضیات و نجوم مورد تجلیل قرار گرفته است. مشهورترین اثر خیام، «رباعیات» مجموعه‌ای از رباعیات است که مضامین اگزیستانسیالیسم، ماهیت زودگذر زندگی و جستجوی لذت را بررسی می‌کند (فیتزجرالد،<sup>۴</sup> ۲۰۱۸، ص ۲۸). ابیات او کنکاشی در وضعیت انسان و جستجوی معنا در دنیایی گذرا است. نبوغ چندرشته‌ای خیام همچنان الهام‌بخش دانشمندان و شاعران است.

<sup>۱</sup>Louis<sup>۲</sup>Arberry<sup>۳</sup>Fitzgerald

شاعران نامدار پارسی زبان که در بالا به آنها اشاره شد، اثری محو نشدنی در دنیای ادبیات، فلسفه و معنویت بر جای گذاشته اند. مشارکت آنها فراتر از زیبایی ابیاتشان است، زیرا آنها در خرد عمیق و ماندگار فرهنگ ایرانی می کاوشند. عرفان مولانا، جشن عشق حافظ، رهنمودهای اخلاقی سعدی، حکمت تمثیلی عطار، و تفکرات فلسفی خیام، همگی ملبله‌ای غنی از حکمت ایرانی را تشکیل می‌دهند. این شاعران نه تنها چشم انداز ادبی را شکل داده اند، بلکه منبع الهام برای افرادی که در جستجوی راهنما، معنا و روشننگری هستند نیز فراهم کرده اند.

### هنر قصه گویی در سنت ایرانی

قدرت داستان سرایی سنگ بنای فرهنگ بشری در طول تاریخ بوده است. در بستر سنت ایرانی، هنر قصه گویی جایگاه ویژه ای دارد و تأثیری عمیق در انتقال حکمت، ارزش ها و میراث فرهنگی دارد. در این بخش به بررسی اهمیت داستان نویسی در فرهنگ ایرانی، ریشه های تاریخی آن و نقش معاصر آن در حفظ و انتقال حکمت اعصار می پردازیم.

ریشه‌های داستان‌سرایی در سنت ایرانی را می‌توان در ایران باستان جستجو کرد، جایی که سنت شفاهی نقشی محوری در انتقال دانش و خرد داشت. روایات حماسی مانند «شاهنامه» (کتاب شاهان) سروده فردوسی، گواهی بر قدرت ماندگار داستان سرایی است (فردوسی، ۱۰۱۰، ص ۲۴). این شعر حماسی که هزاران بیت را در بر می‌گیرد، نه تنها تاریخ ایران را روایت می‌کند، بلکه ارزش‌های اخلاقی و خرد فرهنگی را در بر می‌گیرد و طرحی برای هویت ایرانی ارائه می‌دهد.

قبل از ظهور زبان نوشتاری، داستان‌ها ابزار اولیه حفظ حافظه و خرد جمعی یک جامعه بودند. در فرهنگ ایرانی، سنت شفاهی بخشی پویا و پر جنب و جوش از زندگی روزمره بود. بزرگان، گروگان‌ها، و باردها نقشی حیاتی در بازگویی داستان‌های قهرمانی، عشق و اخلاق برای مخاطبان مجذوب داشتند. این روایات غالباً حاوی درس‌های زندگی و بینش‌های ارزشمندی از وضعیت انسان بود (نجم آبادی، ۱۳۹۶، ص ۸۲). کلام گفتاری وسیله‌ای بود که از طریق آن خرد به اشتراک گذاشته می‌شد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد.

شعر فارسی با ابیات پیچیده و خاطره انگیزش کانال دیگری است که از طریق آن داستان سرایی در سنت ایرانی رونق یافته است. آثار شاعران صاحب نامی چون مولانا، سعدی و حافظ



مملو از روایاتی است که حقایق عمیقی را بیان می کند. شعر آنها نه تنها به عنوان یک شاهکار زیباشناختی بلکه به عنوان مخزن خرد فرهنگی و فلسفی عمل می کند. برای مثال، «مثنوی» مولانا، شعر تعلیمی، از داستان سرایی برای انتقال آموزه های معنوی و اخلاقی بهره می برد (مولوی، ۱۲۷۳، ص ۵۸). این روایات شاعرانه همچنان در میان خوانندگان و شنوندگان طنین انداز می شود و حکمت را در قالبی مسحورکننده حفظ می کند.

فولکلور ایرانی سرشار از داستان ها و افسانه های متنوعی است که حاوی درس های اخلاقی است. این داستان های عامیانه اغلب حول محور قهرمان های باهوشی می چرخند که از شوخ طبعی و خرد برای غلبه بر چالش ها استفاده می کنند. «ملا نصرالدین» از چهره های محبوب در فولکلور ایران، به خاطر داستان های طنز و آموزنده اش شهرت دارد (خسرونژاد، ۱۳۹۴، ص ۷۳). چنین داستان هایی نه تنها برای سرگرمی، بلکه برای آموزش، القای ارزش های فرهنگی و اصول اخلاقی در مخاطبان خود مفید است.

«شاهنامه» فردوسی که اغلب از آن با عنوان «حماسه شاهان» یاد می شود، جایگاهی منحصر به فرد در فرهنگ و داستان سرایی ایرانیان دارد. این حماسه شامل داستان هایی از پادشاهان افسانه ای، قهرمانان، و موجودات افسانه ای، روایتی جامع از تاریخ و هویت ایرانی را ارائه می دهد. این نه تنها حماسه ای نیست، بلکه بازتابی از ارزش ها، آرمان ها و جست و جوی پایدار ایرانیان برای عدالت و خرد است (فردوسی، ۱۰۱۰، ص ۹۸). «شاهنامه» شعور نسل ها را شکل داده و آن را به یک اثر فرهنگی محترم و گرامی تبدیل کرده است.

سنت داستان سرایی در ایران معاصر همچنان رو به رشد است. در حالی که مدرنیته و تکنولوژی تغییراتی را در رسانه ایجاد کرده اند، جوهر داستان سرایی دست نخورده باقی مانده است. برای مثال سینمای ایران به دلیل روایت های قدرتمند و تکنیک های داستان سرایی اش شهرت بین المللی پیدا کرده است (مهرابی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲). این فیلم ها طیف گسترده ای از موضوعات، از حماسه های تاریخی گرفته تا مسائل معاصر را بررسی می کنند و به عنوان مجرای مدرن برای انتقال خرد و ارزش های فرهنگی عمل می کنند.

تأثیر داستان نویسی ایرانی بسیار فراتر از مرزهای آن است. اثری محو نشدنی در ادبیات و هنر جهان بر جای گذاشته است. نویسندگان برجسته غربی، مانند ازوپ و چاسر، تحت تأثیر

افسانه‌ها و فنون داستان‌سرایی فارسی قرار گرفتند (لانگرم، ۲۰۱۹، ص ۵۱). جذابیت جهانی داستان‌سرایی ایرانی بر مضامین جهانی و حکمت جاودانه آن تاکید دارد.

هنر قصه‌گویی در سنت ایرانی، رویه‌ای عمیق و ماندگار است که در حفظ و انتقال حکمت، ارزش‌های فرهنگی و گوهر هویت ایرانی نقشی محوری داشته است. از روایت‌های حماسی کهن گرفته تا داستان‌های سینمایی مدرن، داستان‌سرایی ایرانی همچنان مخاطبان را مجذوب خود می‌کند و الهام می‌بخشد. این به عنوان پلی بین گذشته و حال، بین میراث فرهنگی و بیان معاصر عمل می‌کند. داستان‌هایی که در سنت ایرانی نقل می‌شود، داستان‌های صرف نیست، بلکه ظرف‌های حکمت است و حامل پیام‌های جاودانه انسانیت است.

### حفظ حکمت: سنت شفاهی

حفظ حکمت در فرهنگ ایرانیان تلاشی بسیار مهم است و یکی از چشمگیرترین راه‌هایی که در آن حاصل شده، سنت شفاهی است. این بخش به نقش سنت شفاهی در ایران می‌پردازد و چگونگی انتقال داستان‌ها، اسطوره‌ها و دانش را در طول نسل‌ها از طریق کلام بیان می‌کند و خرد جمعی ملت را غنی می‌کند.

میراث فرهنگی غنی و متنوع ایران پیوندی ناگسستنی با سنت شفاهی آن دارد. انتقال دانش و حکمت از طریق شفاهی، پیش از ظهور کلام مکتوب است و به همزیستی با سوابق مکتوب در جامعه معاصر ادامه می‌دهد (رفیعی، ۱۳۹۷، ص ۴۲). این سنت طیف وسیعی از روایات از جمله فولکلور، شعر حماسی، روایت‌های تاریخی و داستان‌های اخلاقی را در بر می‌گیرد که همگی به حفظ خرد ایرانی کمک می‌کنند.

اساطیر و افسانه‌ها جایگاهی محوری در سنت شفاهی ایرانیان دارند. داستان قهرمانان، موجودات افسانه‌ای و خدایان باستانی بیش از سرگرمی صرف است. آنها حاوی درس‌های اخلاقی عمیق و بینش‌های فرهنگی هستند. برای مثال، افسانه رستم و سهراب به بررسی مضامین شجاعت، فداکاری و پیچیدگی‌های طبیعت انسان می‌پردازد (پورشریعتی، ۱۳۹۸، ص ۶۵). اسطوره‌ها و افسانه‌ها به عنوان مخزن خرد جمعی مردم ایران عمل می‌کنند و ارزش‌ها و هویت آنها را شکل می‌دهند.

فولکلور و ضرب المثل ها در سنت شفاهی ایران نقش بسزایی دارند. قصه ها و ضرب المثل های عامیانه اغلب وسیله ای برای انتقال حکمت عملی و درس های زندگی هستند. ضرب المثل هایی مانند «هر زخمی مرهم در خود دارد» بر انعطاف پذیری و خوش بینی عمیقاً نهفته در فرهنگ ایرانی تأکید می کند (امیرپور، ۱۳۹۰، ص ۷۸). این گفته ها و داستان ها به عنوان راهنمای رفتار و تصمیم گیری اخلاقی، با تکیه بر تجربیات و بینش های نسل های گذشته عمل می کنند.

داستان نویسی در جامعه ایران جایگاهی قابل احترام دارد. این افراد چه منکر سرگردان، چه بزرگ روستا و چه راوی حرفه ای باشند، مشعل داران سنت شفاهی هستند. آنها وقایع تاریخی، حماسه ها و داستان های اخلاقی را بازگو می کنند و با مهارت های روایی خود مخاطب را مجذوب خود می کنند (فرهمند، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲). از طریق هنر داستان نویسی، خرد نه تنها حفظ می شود، بلکه برای کسانی که ممکن است فرصت خواندن متون نوشته شده را نداشته باشند نیز قابل دسترسی است.

بسیاری از جشن ها و آیین های فرهنگی ایران شامل سنت شفاهی است. رویدادهایی مانند شب یلدا، مهرگان و سیزده بدر، مناسبتی برای قصه گوئی، موسیقی و انتقال حکمت فرهنگی است (عباسی، ۱۳۹۹، ص ۹۴). این آیین ها پیوندی زنده با گذشته ایجاد می کند و ارزش ها و خرد فرهنگ ایرانی را تقویت می کند. آنها لحظاتی هستند که سنت شفاهی زنده می شود و نسل ها را در این فرآیند به هم متصل می کند.

در عصری که تحت سلطه رسانه های دیجیتال و ارتباطات سریع است، سنت شفاهی ممکن است کهنه به نظر برسد. با این حال، همچنان در ایران مدرن مطرح است. ابتکارات برای مستندسازی و حفظ روایت های شفاهی از طریق ضبط های صوتی و رونویسی های مکتوب ادامه دارد و تضمین می کند که این منبع فرهنگی ارزشمند در زمان از دست نمی رود (رفیعی، ۲۰۱۸، ص ۵۵). سنت شفاهی همچنان سرچشمه خرد برای ایرانیان در قرن بیست و یکم است.

سنت شفاهی در ایران جنبه ای پویا و زنده از میراث فرهنگی این کشور است. به عنوان وسیله ای برای حفظ و انتقال خردی عمل می کند که عمیقاً در آگاهی جمعی مردم ایران ریشه دارد. از اساطیر و افسانه ها گرفته تا فولکلور و ضرب المثل ها، سنت شفاهی تار و پود حکمت ایرانی را به هم می بافتد. جشن های هنری و فرهنگی داستان نویسی این سنت را زنده نگه می دارد و

گذشته را با حال پیوند می دهد. در جهانی که به سرعت در حال تغییر است، سنت شفاهی منبعی حیاتی برای هدایت و الهام باقی می ماند و ارزش ماندگار خرد ایرانی را تقویت می کند.

### چگونه ضرب المثل ها ارزش ها و باورهای ایرانی را منعکس می کنند

ضرب المثل ها بیان های مختصر و فرهنگی هستند که بینش های منحصر به فردی را در مورد ارزش ها، باورها و آگاهی جمعی یک جامعه ارائه می دهند. در بافت ایرانی، ضرب المثل ها جایگاه ویژه ای دارند زیرا جوهر فرهنگ ایرانی را در بر می گیرند و ارزش ها و باورهای آن را منعکس می کنند. این بخش به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه ضرب المثل های ایرانی به عنوان آینه روح ایرانی عمل می کنند و بر اصول اصلی و جهان بینی هایی که قرن ها ملت را شکل داده اند، نور می اندازند.

ضرب المثل ها در ایران چیزی فراتر از کنجکاوی های زبانی هستند. آنها اجزای ضروری ارتباطات روزانه هستند. آنها در گفتگو، داستان نویسی و حتی در ادبیات به کار می روند و به ایرانیان امکان می دهند پیام های عمیق را با اختصار و ظرافت منتقل کنند (مقدم، ۱۳۹۶، ص ۴۲). این ضرب المثل ها عمیقاً در بافت فرهنگی ایران ریشه دوانده اند و به عنوان ستاره های راهنما در زندگی روزمره عمل می کنند.

احترام و ادب از ارزش های اساسی فرهنگ ایرانی است و این ارزش ها در ضرب المثل ها نیز منعکس شده است. به عنوان مثال، ضرب المثل «لبخند میزبان بهتر از غذایش است» اهمیت مهمان نوازی و اهمیت مهمان مهربان بودن را برجسته می کند (نصر، ۱۳۹۸، ص ۶۷). این گونه ضرب المثل ها بر فضیلت احترام و قدردانی نسبت به دیگران تأکید دارد که سنگ بنای تعاملات اجتماعی ایرانیان است.

ایرانیان به مهمان نوازی گرم خود شهرت دارند و این جنبه از فرهنگ آنها به وضوح در ضرب المثل های آنها به تصویر کشیده شده است. «مهمان هدیه ای از جانب خداوند است» (مشهدی، ۱۳۹۷، ص ۵۵) بر ارزشی که برای پذیرایی و گرمی داشتن میهمانان قائل است تأکید می کند. این ارزش عمیقاً در سبک زندگی ایرانیان ریشه دارد و ضرب المثل هایی از این دست این تصور را تقویت می کند که میزبانی از مهمان نه تنها یک وظیفه بلکه مایه شادی است.